



سخنی با خواننده،

## کوبانی، کورسوی امید

سال 1914 را با 2014 مقایسه کنید! یک قرن پیش دنیا از نظر جنبش های اجتماعی اعتراضی به نظم حاکم و ایدئولوژی های حاکم بر آنها بسیار پیشرفته تر از شرایط کنونی بود. بر بشریت چه گذشته است؟

صفحه ۲

آذر ماجدی



## "نه" به اعدام!

در سالروز ۱۰ اکتبر، روز جهانی علیه "مجازات" اعدام

باید این فرض را به کرسی نشاند که هیچکس، هیچ احدی، به هر دلیلی حق کشتن و گرفتن جان کسی را در مراسم شنیعی که نامش اعدام است ندارد. اعدام ممنوع است! اعدام تحت هیچ شرایطی مجاز و قابل توجیه نیست!

صفحه ۴

سیاوش دانشپور

حکومت اسلامی ایران  
سمبل مجازات اعدام در  
جهان است!

تظاهرات علیه اعدام در گوتنبرگ

سازمان آزادی زن و ابتکار فمینیستی اروپا و  
کشورهای مدیترانه برگزار میکند:

مصافهای پیشروی جنبش آزادی  
زن در شمال آفریقا و خاورمیانه

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



آذر ماجدی

ستون سخنی با خواننده،

## کوبانی، کورسوی امید

تمام این بدویت در نظام سرمایه داری، جدال قطبها و قدرتهای متفرقه بورژوازی و تلاش آمریکا برای کسب و تثبیت حاکمیت بر جهان است. شواهد بسیار است. باید چشم بصیرت داشت!

مثلی است که می گوید "به مرگ می گیرند تا به تب راضی کنند!" این واقعیت امروز دنیای ما است. مردم در خاورمیانه و شمال آفریقا با یک دنیا امید برای یک دنیای بهتر و عادلانه تر بر می خیزند؛ جنبش های انقلابی در کشور پس از کشور شکل می گیرد؛ دنیای آزادیخواه که من آنرا "قطب سوم" می خوانم در تقابل با تروریسم دولتی بسرکردگی آمریکا و تروریسم اسلامی از جمله رژیم اسلامی ایران، داعش و ارازل و اوباش مشابه، بوجد آمد. ژورنالایسم آنرا "بهار عربی" خواند. برای اولین بار در تاریخ چنین پدیده ای رخ می داد. ارتجاع جهانی، دو قطب وحشی به نقشه کشی و دسیسه چینی مشغول شدند؛ آنچنان بلایی سر مردم آوردند که در دل گفته اند: "غلط کردیم، آزادی و برابری و رفاه خواستیم! بهمان شرایط سابق رضایت می دهیم!" در مصر پس از بیش از دو سال کشته و زندانی دادن و شکنجه کشیدن، شرایط سابق با پنجه های آهنین تر ابقاء شد. در لیبی و سوریه که غرب و آمریکا امکان مانپولاسیون سیاسی مانند مصر را نداشتند، یک جنگ خانمان برانداز بر مردم تحمیل شد. هزاران نفر طی این دو سال در این دو کشور جان سپرده اند، هزاران نفر معلول شده اند، صدها هزار نفر آواره شده اند. برخی مناطق با خاک یکسان شده است. مدنیت از این دو کشور رخت بر بسته است. سوریه و لیبی هم به عراق و افغانستان پیوستند. اگر یک

این روزها دستم به قلم یا باید گفتم به کی برد نمیرود. کابوس هولناکی که در عراق و سوریه در حال وقوع است تمام ذهنم را بخود مشغول کرده است. و مهمترین سوالی که بر ذهنم سنگینی می کند اینست: "چرا ما این چنین بی تاثیریم؟" می توان خود را فریب داد و با سر و صدا و عکس و فیس بوک از مواجهه با این سوال مهم گریخت؛ می توان در مقابل سایر جریانات ژست فعال بودن و پاسخ داشتن گرفت؛ اما هر انسان شریف و آزادیخواه و هر کمونیست انقلابی وقتی که در مقابل اخبار تلویزیون، تصاویر کودکان ویران شده، انسانهای سر از بدن جدا شده، هجوم آدمهایی که تمام زندگی خود را در پس خودرها کرده و عازم یک محل نامعلوم، یک آینده مملو از خطر و حقارت تنها دارایی خود، جانشان را از مخمصه جنگ وحشیانه بدر می برند را مشاهده می کند، با خود می اندیشد که چگونه ما نظاره گر این جنایت، این وحشی گری در قرن بیست و یکم هستیم؟ چگونه است که دنیا را اینچنین به عقب برده اند؟ تکنولوژی مدرن در دست ایدئولوژی عهد دقیانوس!

سال ۱۹۱۴ را با ۲۰۱۴ مقایسه کنید! یک قرن پیش دنیا از نظر جنبش های اجتماعی اعتراضی به نظم حاکم و ایدئولوژی های حاکم بر آنها بسیار پیشرفته تر از شرایط کنونی بود. بر بشریت چه گذشته است؟

اینها و سوالات بسیار دیگر مشابه بطور روزمره از ذهن من عبور می کند. برای بعضی پاسخ می یابم، برای بعضی دیگر تردید. اما تلاشی است که باید بکار بست. دنیا در سی سال اخیر بسیار به عقب بازگردانده شده است. از یک سو ما در تلخترین و سیاه ترین دوره ها زندگی می کنیم و از سوی دیگر دنیا هیچگاه اینچنین نیازمند تغییرات پایه ای و ریشه ای نبوده است. خیلی روشن می توان دید که ریشه

سوی این جنگ نیروهای انقلابی آزادیخواه و کمونیست بودند، می شد امید و دنیای بهتری را در پس این جنگ و ویرانی دید. انقلاب برای سوسیالیسم هم جنگ و خونریزی دارد؛ اما از نوع دیگری است. در این شرایط در یک سو انسانیت و آزادیخواهی برای بدست گرفتن سرنوشت خود و ساختن یک دنیای بهتر علیه ارتجاع می جنگد. این جنگ دو سو دارد که می توان از یک سو دفاع کرد و حتی به آن پیوست و در کنار آنها برای آینده ای روشن جنگید. اما در منطقه ویران شده خاورمیانه شرایط چنین نیست. دو قطب ارتجاع با هم می جنگند و مردم زیر دست و پا له می شوند. امیدی نیست! پایان جنگ نوید بخش یک دنیای بهتر و آزادتر نیست! یک شرایط سیاه است. کابوس است. باین خاطر است که آنرا سناریوی سیاه می خوانیم.

از این سناریوی سیاه چگونه می توان خارج شد؟ آیا مرگ و سیاهی محتوم است؟ آیا باید دست روی دست گذاشت و نظاره گر بود؟ آیا باید تسلیم شد؟ قطعاً پاسخ این سوالات مثبت نیست. اما نمی توان فقط خوش خیالانه باد در غیغ انداخت و یک نه محکم گفت ولی به همین اوضاع ادامه داد. پاسخ یک منفی مشروط است.

جالب اینجاست که در حتی چنین اوضاع بلبشو و سیاهی نیز از جانب خود مردم، در گوشه ای حرکتی بروز می کند که امیدها را باز می گرداند، نور امیدی به قلبها می تابد، لبخند نامطمئن بر لبها می آورد. در میان اینهمه بدویت و وحشی گری، در میان این

**نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!**

## حکومت اسلامی ایران سمبل مجازات اعدام در جهان است!



امروز، ۵ اکتبر ۲۰۱۴ تعدادی از مردم آزادیخواه و برابری طلب شهر گوتنبرگ سوئد در پشتیبانی از کمپین بین المللی علیه اعدام ریحانه جباری در مقابل بزرگترین روزنامه سوئد تجمع کردند تا اعتراض خود را به گوش مردم سوئد برسانند. تجمع کردند تا یک بار دیگر رژیم جنایتکار اسلامی حاکم بر ایران را در پیشگاه افکار عمومی مردم سوئد به محاکمه بکشند. تجمع کردند تا اعلام کنند که ریحانه جباری تنها نیست. نمایندگانی از سازمان آزادی زن، واحد گوتنبرگ سوئد و مرکز پیگرد سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت هم با شرکت در این همایش یک بار دیگر اعلام کردند که تا روز محاکمه تک تک عاملان و آمران رژیم صد هزار اعدام به مبارزه و افشای این رژیم ادامه خواهد داد.

مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی، زنده باد برابری

سازمان آزادی زن  
۵ اکتبر ۲۰۱۴



## کوبانی، کورسوی امید...

وحوش اسلامی و غربی، وحوش عمامه بسر و کراوات به گردن، مردمی بیبا خاسته اند و با این وحوش می جنگند؛ مرگ با افتخار را به زندگی مرگبار تر و حقارت زیر شمشیر اسلام ترجیح می دهند. زنان و مردان جوانی که در کوبانی و مناطق همجوار آن اسلحه بدست گرفته اند و شجاعانه علیه نیروی سیاه داعش می جنگند، آن کورسوی امیدی است که در این سیاهی ظلمت سو سو میزند.



اما آیا پاسخ این حرکت و ابتکار انقلابی توده ای است؟ این بخشی از پاسخ است، تمام آن نیست.

در هفته های دیگر می کوشم افکار و تحلیل هایم را با شما سهیم شوم.\*



اعدام قتل عمد دولتی است!



## "نه" به اعدام!

در سالروز ۱۰ اکتبر، روز جهانی علیه "مجازات" اعدام

سیاوش دانشور

فرهنگی آن که برخسونت استوار است مخالفیم. ما برای برپایی جامعه ای تلاش میکنیم که حیات انسانی حرمت داشته باشد و فلسفه قانون در جامعه و در قلمرو مجازات، نه نفی حیات انسانها بلکه بازسازی و برگشت به جامعه باشد.

و بالاخره باید به نیروهای مدافع اعدام و قاتلین حرفه ای هم نگاهی انداخت تا رابطه اعدام و قدرت و تقابل با جامعه و مردم روشنتر شود؛ جمهوری اسلامی، دولت آمریکا، دولت چین، شیلی دوره پینوشه، السالوادور، آرژانتین، بیشتر دولتهای نظامی آمریکای لاتین، دولتهای اسلامی، بلوک سرمایه داری دولتی سابق، دولتهای مرتجع و سرکوبگر در آفریقا که سابقه کشتارهای جمعی در پرونده شان ثبت است، یا گروههای نظامی در اپوزیسیون مانند جریانات متفرقه اسلامی که امروز در مقابل چشم جهان سر میبرند، گروههای نژادپرست و قومپرست، جریانات آوانتوریست و تروریست که با بمب گذاری و ترور در اسپانیا و ایرلند "عدالت" را در مورد مخالفین و مردم عادی به اجرا در میآورند! دنیای انسانی اگر واقعا میخواهد و قرار است برای آزادی عمل و آسایش و رفاه و حرمت بشریت باشد، باید این سنت قضاصل متقابل را بدون استثنا پشت سر بگذارد. جامعه انسانی نیاز به اعدام ندارد. نه خوشبختی، نه آزادی و رفاه، نه حق به معنی فردی و اجتماعی با قتل مجرمین و مخالفین متحقق نمیشود. بشریت باید این دوره توحش را پشت سر بگذارد. در قرون وسطی با گیوتین میکشند امروز به اتاق گاز میفرستند، به دار میکشند، یا مانند اسلامیه در عراق و افغانستان و شمال آفریقا مثله میکنند، یا مانند گروههای قوم

صفحه ۵

مذهبی و عشیره ای و قومی. توجیه کلاسیک اعدام، یعنی روشی "برای مقابله با جرم و جنایت"، پوچ است. توجیه قاتلین است. واقعیات و آمار جرم و جنایت نشان میدهد که این روش و توجیه سیاسی آن شکست خورده است. آمریکا نمونه گویایی است. حتی اگر این روش از نظر آماری مطلوبیت خود را هم نشان میداد، باز هم نباید تردیدی در مخالفت با نفس مجازات اعدام بخود راه میدادیم. نفس وجود اعدام و توجیه قانونی و دولتی آن توسط طبقات حاکم و نفس غیر حساس بودن به کشتن عامدانه مردم از جانب هر نیروی غیر دولتی، به معنی تائید و پذیرش آگاهانه چرخه خشونت و آدمکشی در مغز استخوان مناسبات اجتماعی است. باید با اعدام علی الاصول مخالف بود، مهم نیست مجری آن دولت است یا نیروی غیر دولتی. ما بعنوان کمونیست؛ هیچ کس، هیچ دولت، هیچ نیروی سیاسی، هیچ دستگاه مذهبی، هیچ نهاد و مرجعی را مجاز نمیدانیم که از گرفتن جان انسانها بعنوان یک "حق" استفاده کند یا حتی بطور ضمنی و تبصره ای از این "حق" برخوردار باشد. کمونیسم کارگری جنبشی برای سلب و الغای چنین حقوق نامشروعی است که بورژوازی و جنبشهای مختلف آن تاریخا برای خود قائل بوده اند. اگر باید بدوا از حقی دفاع کرد حق حیات همگانی است. اعدام علیه حق حیات انسانها و ادامه منطقی سلب حق و آزادی در قلمروهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی است. اعدام پاسخ جامعه بورژوائی به معضلات و مسائلی است که خود خالق آن است. اعدام مرحله ای از یک چرخه اعمال خشونت دولتی و غیر دولتی علیه شهروندان است. ما با نفس این نظام و مبانی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی، قضائی و

اعدام تاریخا ابزار قدرتها، چه دولتی و چه غیر دولتی، برای ارباب و تسلیم مردم بوده است. اعدام یعنی طراحی و سازماندهی گرفتن جان فرد یا افرادی با قصد و نقشه آگاهانه و خونسردانه قبلی. گویاترین نام برای اعدام قتل عمد است. اینجا دیگر تفاوت ماهوی بین قتل عمد دولتی و غیر دولتی وجود ندارد. دولتها زیر پوشش کاذب "نمایندگی جامعه" و "اجرای عدالت و قانون" و "شرایط جنگی" و "دفاع از میهن" میکشند و نیروهای بخش خصوصی زیر پوشش "نوامیس ملی و مذهبی" و تعصبات واپسگرای ایدئولوژیک و حتی "انقلابی"! چه دولتی که از سر منافع ارتجاعی اش مخالفین را اعدام میکند، چه گروه اسلامی و تروریستی که برای انتقام اسپیش را اعدام میکند، و چه نیروی که به اصطلاح "اعدام انقلابی" میکند، جملگی یک اقدام واحد را عملی میکنند؛ قتل عمد و نابودی کسی که در دستگاه "عدالت" دلبخواهی اینان "مجازات اعدام" دریافت کرده است! برای الغای مجازات اعدام باید بدوا این عدالت دلبخواهی و من درآوردی از هرسو نقد و کوبیده شود. باید این فرض را به کرسی نشاند که هیچکس، هیچ احدی، به هر دلیلی حق کشتن و گرفتن جان کسی را در مراسم شنیعی که نامش اعدام است ندارد. اعدام ممنوع است! اعدام تحت هیچ شرایطی مجاز و قابل توجیه نیست!

### در دفاع از حق حیات

وقتی به صحنه دنیا و میزان قتل و اعدام نگاه میکنید، میبینید برخلاف توجیهات رسمی که اعدام را "روشی برای مصونیت جامعه از قاتلین و جنایتکاران" میداند، عمده اعدامها و گرفتن آگاهانه و عامدانه جان شهروندان به دلایل دیگری صورت میگیرد. به "جرم" آزاد بودن، تن ندادن به فعال مایشائی شوونیسم مردسالار، گردن نگذاشتن به آتوریته دولت و قدرت فائقه و یا مراجع

برابری زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

وقتی کسی در جنگ اسیر میشود، کشتن اسیر یعنی اعدام. اگر کسی و نیروئی نمیتواند اسیر طرف مقابل را نگهدارد نباید اسیر کند و اگر اسیر میکند حق شکنجه و آزار جسمی و روانی و اعدام را ندارد. هیچ تبصره ای مانند "دوره جنگ و شرایط متفاوت" قابل قبول نیست. با اسیر در بدترین حالت باید طبق قوانین بین المللی اسرای جنگی رفتار کرد. امروز مردم هنوز در حال جنگ با جمهوری اسلامی اند. روشن است این جدال به احتمال زیاد اشکال متنوعی بخود میپذیرد. اما این یک جنگ است و فرق هست با وقتی که یک نیروی درگیر کسی را اسیر میکند. ما مجاز نیستیم وقتی از طرف مقابل کسی را به اسارت درمیآوریم با او هر رفتاری از جمله تعرض فیزیکی کنیم و یا به فوران احساسات در مقابل اصولمان مجال بروز دهیم. ما با اسرا طبق قوانین بین المللی اسرای جنگی رفتار خواهیم کرد. حکومت کارگری مخالف مجازات اعدام و هر نوع مجازاتی است که به جسم افراد تعرض میکند. ما همراه با نفی اعدام و حبس ابد، هر نوع شکنجه و آزار بدنی را ممنوع اعلام میکنیم. ما کشتن اسرای جنگی را غیر قابل توجیه میدانیم و چنین عملی را اجرای "مجازات" اعدام میدانیم.

### برخورد با سران رژیم اسلامی

چندی سال پیش در بیانیه یک جریان مائویستی، که مدعی تشکیل "گروههای ضربت" در داخل کشور بود، نوشته بود که مردم ایران چوبه های دار را آماده کرده اند! تمام آخوندها را با عمامه هایشان اعدام انقلابی میکنند! منشا این نفرت کجاست؟ تفاوت اینها با خود رژیم اسلامی چیست؟ میدانم یکی مائویست است و یکی مسلمان، اما روش برخوردشان یکی است. "عدالت" در قاموس شان یکی است و به اعدام ختم میشود. باید خوشحال باشیم که چنین افکار مریضی جایی در یک قصبه هم ندارد تا چه رسد به جامعه تردیدی نیست که سران جمهوری اسلامی میلیونها شاکي خصوصی دارند. کسانی که عزیزانشان توسط اینها اعدام شدند و حتی آدرس قبرشان را هم نمیدانند کم نیستند. با این موضوع چگونه باید برخورد کرد؟ پاسخ این مردم زخم دیده

صفحه ۶

## در سالروز ۱۰ اکتبر، روز جهانی علیه "مجازات" اعدام ...

پرست و "نمایندگان" خود گمارده مردم اعدام صحرایی میکنند!

### قلمرو خاکستری، اعدام جنایتکاران

یک توجیه عمومی اعدام، حتی در میان کسانی که مخالف اعدامهای سیاسی هستند، اینست که اعدام جنایتکاران که مرتکب قتلهای متعدد و شنیع شدند فرق دارد. این قابل دفاع است و جامعه را مصون میکند! در پاسخ به این نوع استدلال باید تصریح کرد که این حرفه بدوا و در مقیاس گسترده دولتی است نه غیر دولتی. عمده کسانی که در پرونده شان لیست طویلی از آدمکشی ثبت است، در دولتها و پارلمانها و وزارتخانه ها و لویه جرگه ها و شورای نگهبان ها نشسته اند. در بیرون دولتها عده ای از هم خانواده های اینها، جریاناتی که تفاوتی آرمانی و برنامه ای و سیاسی با این دولتها ندارند، در اپوزیسیون همین حرفه را دارند که از اینطریق سهم خود را از قدرت سیاسی و امتیازات اقتصادی و استثمار کارگران طلب میکنند. کمی آنطرف تر گروههای مخفی و افرادی را داریم که با همین نام یعنی "قاتل حرفه ای" استخدام میشوند و یا سفارشی را توسط گروه ثالثی اجرا میکنند. اینها ادامه سازمانهای رسمی دولتی و شبکه قدرت و مافیاهای اقتصادی و جاسوسی اند. موردی که میماند افرادی هستند که قتل سریال انجام میدهند. در دنیای واقعی و در قیاس با آمار قتلهای دولتی و غیر دولتی آگاهانه، این افراد در ته جدول آدمکشی قرار میگیرند. علی القاعده اینها نباید از تعادل و سلامت روانی برخوردار باشند. برای مقابله با این معضل، کار اول اینست که امنیت جامعه را در مقابل اینگونه تهدیدات بالا برد. یعنی ریشه های اجتماعی و اقتصادی جرم و جنایت را خشکاند. دوم، باید این افراد را بعنوان بیمار مداوا کرد و شانس بازگشت به یک زندگی نرمال را از آنها نگرفت. با اعدام هیچ مشکل جامعه حل نمیشود بلکه تشدید میگردد. ما اگر جامعه ای بسازیم که نیازهای مادی و معنوی

شهروندان را پاسخ میدهد، و بجای روحیه حیوان گونه رقابت؛ عنصر همبستگی و تعاون و نوعدوستی را مبنای جامعه و به فرهنگ اجتماعی تبدیل کند، آنوقت جرائم و خشونت و قتل به حداقل ممکن میرسد. چون زمینه مادی و اجتماعی آن از بین رفته است. در هر جامعه ای و در هر سیستم علمی استثنا وجود دارد و ضرورتا این استثناها قابل تعمیم به روندها و اصول بنیادی نیستند. اگر در جمهوری سوسیالیستی فردا عده ای از اینگونه افراد داشتیم تلاش میکنیم با استفاده از آخرین دستاوردها و متدهای علمی راه بازگشت به زندگی متعارف و مفید بودن بعنوان یک عنصر اجتماعی را باز نگهداریم. تجارب دنیای امروز، حتی در چهارچوب سرمایه داری که اساس تبعیض و نابرابری و کار مزدی و زمینه جنایت و قساوت را دست نمیزند، نشان میدهد که اعدام پاسخ هیچ مشکلی نیست. فقط روحیه انتقام و خون در مقابل خون قرون وسطی را زنده نگه میدارد و بازتولید میکند. مجازات اعدام باید فوراً و بدون هیچ تبصره ای لغو گردد!

### حبس ابد، برخورد با اسرا

الغای مجازات اعدام برای یک جامعه آزاد کافی نیست. همراه با لغو مجازات اعدام، حبس ابد به معنی رایج آن در کشورهایمانند ایران باید لغو شود. نگهداشتن یک فرد یا تعدادی مجرم و جنایتکار برای تمام عمر پشت میله های زندان، مدالی به سینه عدالت در یک جامعه آزاد نمیزند. حبس ابد تا اعدام فاصله ای ندارد. حکومت کارگری باید حبس ابد را هم لغو کند.

در مورد برخورد با اسرا جنبش آزادیخواهی و سوسیالیستی باید پرنسیپ هایش روشن و اعلام شده باشد. جنگ قانون خودش را دارد. در یک جنگ ممکن است از طرفین کشته شود. اما

مزد برابر در ازای کار مشابه!

## بسوی آینده آزاد

ما مخالفین مجازات اعدام تاریخ نوینی را آغاز خواهیم کرد! ما چوبه های دار و تکنولوژی "مدرن" قتل و شکنجه را بعنوان ابزار توحش بورژوازی علیه مردم به موزه منتقل میکنیم! عکسهای جانپان و سابقه جنایت شان را در آلبومها گرد می آوریم و در تاریخ ثبت میکنیم که زمانی این دولتها و این سیاستمداران با این دستگاهها آدم میکشند! باشکوه ترین همبستگی معنوی جامعه را با قربانیان و بازماندگانشان بنمایش خواهیم گذاشت! اعلام میکنیم که جامعه بشری و آزاد ما عمیقا درک میکند که درد از دست دادن برادر، خواهر، فرزند، همسر، معشوقه، پدر، مادر، یا هر عزیز دیگری تا چه حد سخت و فراموش نشدنی است! اما ما میخواهیم این پرونده و این تاریخ خونین را ببندیم! ما میخواهیم از این دوران وحشت عبور کنیم! باید از این دور تسلسل باطل جنایت و کشتار و انتقام و خونخواهی عبور کرد! باید آینده را ساخت! آینده ای خوشبخت و بدور از معیارهای "عدالتخواهی" قرون وسطی و بورژوازی! اعلام میکنیم جامعه به قربانیان و بازماندگانشان با دیده احترام و همبستگی نگاه میکند و هدفش را نه "خونخواهی و قصاص" بلکه تلاش برای ممانعت از تکرار چنین فجایی در آینده از طرق نابود ساختن و ریشه کن کردن زمینه های جرم و جنایت قرار داده است! اعلام میکنیم مردم ایران با پرچم لغو مجازات اعدام بعد از پیروزی بر رژیم جنایتکار اسلامی قلب و دوستی میلیاردها مردم شریف جهان را با خود خواهند داشت! ما با اعلام لغو مجازات اعدام نقطه پایانی به چرخه خشونت و تنفر میگذاریم! اعلام میکنیم همراه با سقوط دولت بورژواها و درهم کوبیده شده ماشین سرکوب شان، همراه با خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه حاکم، قوانین کهنه منتج از فرهنگ و باور آنها از جمله اعدام منسوخ میشود!

## در مناسبت ۱۰ اکتبر

جنبش آزادی و برابری جنبشی براس ساختن آینده، جنبشی برای بهبود هر روزه زندگی توده های میلیونی کارگران و مردم، و جنبشی برای تغییر رادیکال و ریشه ای جهان است.

صفحه ۷

## در سالروز ۱۰ اکتبر، روز جهانی علیه "مجازات" اعدام ...

را چگونه باید داد؟

و احساسات احتمالی انتقامجویانه واگذار نمیکند. چون در چنین صورتی، یعنی قضاوت و اجرای "عدالت" براساس عواطف و زخمهای قربانیان، راه دیگری جز انتقام و تداوم دور جدیدی از آدمکشی نضج نمیگیرد. اتفاقا در میان همین کسانی که عزیزانشان را جمهوری اسلامی اعدام کرده است پرچم لغو اعدام برافراشته تر است. زندانیان سیاسی سابق، خانواده های اعدامی ها، اپوزیسیون پیشرو و کمونیست کارگری، و هر کسی که با زندان سیاسی و شکنجه و اعدام فی النفسه مخالف است، خواهان لغو مجازات اعدام هستند. عدالت باید اجرا شود و اجرای عدالت تنها زمانی ممکن است که فردا کسی به هیچ دلیلی اعدام نشود. عدالت، اعدام زندگان بخاطر عزیزان از دست رفته نیست. اسم این انتقام است. عدالت در اینمورد مشخص یعنی برسمیت شناسی حق مجرمین و جانبداری مادی و معنوی جامعه از بازماندگان قربانیان و کشف و ثبت حقیقت است. قاتلین قطعاً باید مجازات شوند اما این مجازات اعدام نیست. اگر اعدام و قتل عزیزان ما بد است، تراژدی است، قابل فراموشی نیست، اعدام قاتل نیز توجیه اخلاقی و سیاسی و قضائی محکمه پسند و آزادیخواهانه ای ندارد. فکر میکنم روزی که ما در گوشه گوشه ایران به یاد عزیزانمان بیانیتهای پرشور در نفی اعدام و اختناق و زندان میخوانیم، روزی که در مراسمهای پرشکوه گرامیداشت زندانیان و قربانیان رژیم اسلامی اعلام میکنیم؛ حکومت کارگری مجازات اعدام را لغو میکند و از این تاریخ هیچ کسی بخاطر ابراز عقایدش مورد تهدید قرار نمیگیرد و جامعه و قانون علیه تهدید فیزیکی شهروندان مسئول است، آنروز بهترین گرامیداشت را برای عزیزانمان که هدفشان آزادی و برابری بود بجا آورده ایم.

من یکی از این مردم هستم. من هم شاکی خصوصی سران رژیم و افراد معینی هستم. من هم بهترین دوستان و همزمان و عزیزانم را جمهوری اسلامی در مسجد و حسینیه زندان و میدان تیر اعدام کرده است. بحث الغای مجازات اعدام نه بحث بخشش سران رژیم یا هر جنایتکاری است، نه بحث سازش با آنها، و نه بحث پایان مقابله و جنگ با سرمایه و حکومت مرتجع اسلامی. خیر، این رژیم باید توسط نیروی مردم و انقلاب کارگری سرنگون شود. این رژیم تلاش میکند سرپا بماند و برای اینکار تا روز آخر دست به جنایت میزند. تردیدی نیست که باید با قدرت در جنگ با جمهوری اسلامی پیروز شد. نه فقط باید رژیم اسلامی را بعنوان یک رژیم سرکوبگر و بانی قتل عام و کشتار جمعی شهروندان و زندانیان سیاسی سرنگون کرد، بلکه باید سران حکومت و دست اندرکاران جنایت را در یک دادگاه علنی در مقابل چشم محاکمه کرد. اینان دادگاهی و مجازات خواهند شد نه بخاطر عقایدشان بلکه دقیقاً بخاطر قتل مردم بیگناه، بخاطر جنایت جنگی و جنایت علیه مردم سیویل.

در این دادگاهها که باید گوشه ای از عدالت فردای سوسیالیستی و کارگری را بنمایش بگذارد، شاکیان فرصت کافی برای اقامه دعوی خواهند داشت و متقابلاً باید متهمین پرده از جنایات شان بردارند. جامعه باید حقیقت را بداند تا بتواند از آن عبور کند. هدف نه محاکمه و به روی دار فرستادن قاتلین، بلکه عبور جامعه از یک دوران وحشت و بستن آن و باز کردن فصل جدیدی از مناسبات اجتماعی و حقوقی و سیاسی در جامعه است.

حکومت کارگری و جمهوری سوسیالیستی بعنوان یک دولت آزاد و پیشرو، مبنای فلسفه قانون و امر قضا را به بازماندگان قربانیان

# تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن!

## مبارزه با فحشاء

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگان و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.
- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازیابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سکس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای گانگستری، باج خورها و اوباش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

## در سالروز ۱۰ اکتبر، روز جهانی علیه "مجازات" اعدام ...

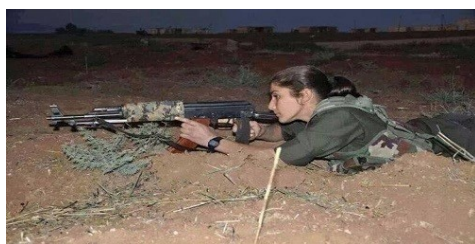
ما باید آینده را بنا کنیم و در این مسیر و در چهارچوب نظام موجود بیشترین پیشرویها را کسب کنیم.

۱۰ اکتبر روزی است که علیه اعدام و این سنت شنیع در سطح جهان بشریت فریاد میزند. به این کمپین بپیوندید و هر جا که هستید فریاد "اعدام نه" را رسانتر کنید!

در اینروز همراه با مخالفت اصولی و انسانی با مجازات اعدام و خواست لغو اعدام و تعهد دولتها به آن، جمهوری اسلامی را بعنوان رژیم صد هزار اعدام به دنیا معرفی کنید!

در اینروز خواهان لغو فوری اعدامها در ایران، لغو فوری احکام اعدام صادر شده، و آزادی بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی شوید!

\* اولین بار در ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۷ منتشر شد.



زنده باد مقاومت توده ای کوبانی!

# مصافهای پیشاروی جنبش آزادی زن در شمال آفریقا و خاورمیانه

سازمان آزادی زن و ابتکار فمینیستی اروپا و کشورهای مدیترانه، در باره موقعیت زنان در شمال آفریقا و کشورهای خاورمیانه یک کنفرانس بین المللی سازمان داده است. در سه سال گذشته، مردم در منطقه برای خواستهای آزادی و برابری و رفاه و عدالت اجتماعی بپاخواستند. زنان در اعتراض به حکومتها فعالانه خیابانها را تسخیر کردند. زنان در این اعتراضات مورد اذیت و آزار و در مواردی مورد تجاوز جنسی نیروهای امنیتی و باندهای اسلامی قرار گرفتند. در متن اعتراض و خیزش توده ای برای یک دنیای بهتر، زنان هوشیارانه خواهان آزادی و حقوق بیشتر شدند.

این اعتراضات به دنیا نشان داد که مردم منطقه دیگر دیکتاتوری، فقر، فساد دولتی، جنایت و خشونت پلیس را تحمل نمیکنند. هرچند که اوضاع در بیشتر کشورها بدتر شد. دولتهای غربی به رهبری آمریکا، دولتهای ارتجاعی منطقه و جنبش اسلام سیاسی با ایجاد جنگ داخلی شرایط وخیمی را در بسیاری کشورها بوجود آوردند.

در این اوضاع، ما از فعالان حقوق زن در منطقه دعوت کرده ایم که در این کنفرانس اوضاع حاد و بحرانی منطقه را بررسی و در مورد راه حلهای مناسب بحث و همفکری کنیم.

کنفرانس در روزهای ۱۶-۱۵ نوامبر ۲۰۱۴ در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار میشود. اطلاعات بیشتر در باره سخنرانان در اطلاعیه های بعدی اعلام میشود.

ما از همه علاقه مندان برای شرکت در این کنفرانس دعوت میکنیم. با حضور خود و شرکت فعال در مباحث به غنای کنفرانس یاری رسانید.

سازمان آزادی زن

ابتکار فمینیستی اروپا و کشورهای مدیترانه

سپتامبر ۲۰۱۴

## تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸/۳۰ بوقت تهران از

شبکه

هات برد

مگاهرتز: ۱۱۶۴۲ سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

KMTV

## آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

[www.azadizan.net](http://www.azadizan.net)

سردبیر: آذر ماجدی

[majedi.azar@gmail.com](mailto:majedi.azar@gmail.com)

هیئت تحریریه: آذر ماجدی، سیاوش دانشور

از سایت جدید سازمان آزادی زن دیدن کنید!

[www.azadizan.org](http://www.azadizan.org)

به سازمان آزادی زن پیوندید!